

# بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده

(مطالعه موردی: روستای میانه از توابع شهرستان صومعه‌سرا - استان گیلان)

سید احمد فیروز آبادی \*

زهره فرضی‌زاده \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۱۲

## چکیده

در پژوهش حاضر، زنان روستایی به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی مولد در بخش کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روستای مورد مطالعه، روستای میانه از توابع استان گیلان است. هدف این تحقیق، بررسی تفاوت‌های موجود در وضعیت فعالیت‌های زنان روستایی در خانواده، در زمان گذشته و حال (در بین گروه‌های سنی مختلف) و کشف عمده‌ترین دلایل تحول میزان فعالیت‌های اقتصادی آنها است. در این مطالعه، با استفاده از رهیافتی کیفی، تلاش شد به سؤال‌های اساسی تحقیق پاسخ داده شود، به‌طوری‌که در ابتدا با استفاده از روش ارزیابی سریع روستایی، به مدت یک سال زراعی، وضعیت فعالیت زنان روستایی مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های حاصل از این مطالعه، نشان داد میزان کار کشاورزی زنان، در مقایسه با گذشته کاهش یافته است. پس از کشف این موضوع، با استفاده از روش نظریه بنیانی، تلاش شد به عمده‌ترین دلایل بروز این پدیده در بین گروه‌های سنی مختلف پی برده شود. عمده‌ترین دلایل، «تأثیرپذیری از جامعه شهری»، «تمایل به شهری بودن»، «مقایسه خود با دختران و زنان شهرنشین»، «بروز این نگرش که ادامه تحصیل، تنها راه دستیابی به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهتر است»، «نگرش منفی والدین روستایی نسبت به روستائینی فرزندان و انجام فعالیت کشاورزی توسط آنها»، «تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از برخی امکانات زندگی» بودند که همگی موجب ظهور پدیده «دگرگونی ارزشی-هنجاری» در بین دختران و زنان روستایی نسل دوم و به‌ویژه سوم شده‌اند. در این وضعیت، روستاییان با اتخاذ راهبردهایی مانند «عدم تمایل به انجام فعالیت کشاورزی»، «جایگزین کردن نیروی کارگر روزمزدی»، «تلاش دختران و زنان روستایی در مشابهت نحوه زندگی خود با شیوه زندگی دختران و زنان شهرنشین»، «توصیه کشاورزان به فرزندان در مورد ادامه تحصیل، کشاورز نبودن و زندگی در شهر» و «مهاجرت خانوارها به شهر»، به تعامل با پدیده مذکور می‌پردازند. پیامدهای به‌کارگیری این راهبردها در روستای مذکور، «اتمام سریع کار در شالیزار»، «کاهش ساعات کار زنان»، «ضرورت پذیرایی از کارگران و نظارت بر کار آنها»، «افزایش میزان دستمزد کارگران به‌دلیل بالا رفتن تقاضا»، «افزایش هزینه کاشت، داشت و برداشت»، «بدهکار شدن برخی روستاییان به علاف»، «ادامه تحصیل فرزندان، عدم تمایل آنها به انجام فعالیت کشاورزی و زندگی در روستا»، «فروش، اجاره و نصفه‌کاری زمین یا کشت زمین توسط کارگر در بین خانوارهای مهاجر»، «فروش خانه روستایی به شهرنشین‌ها، اجاره به مستأجران روستایی یا خالی ماندن خانه و...»، «افزایش حضور افراد غیربومی در روستا» و «تمایل سایر روستاییان به مهاجرت» است.

**کلیدواژه‌ها:** زنان روستایی، روش نظریه بنیانی، فعالیت اقتصادی، شکاف نسلی، دگرگونی ارزشی-هنجاری.

\* استادیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. Afirouzabadi@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زهره فرضی‌زاده است که به راهنمایی دکتر مهدی طالب و مشاوره دکتر سید احمد فیروز آبادی در سال ۱۳۸۶ دفاع شده است.

## مقدمه

بخش کشاورزی، نقشی تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی دارد و اکثر مردم در کشورهای فقیر، معیشت خود را از زمین تأمین می‌کنند. فعالیت‌های اقتصادی خانوارها در نواحی روستایی، نقش بسیار مهمی در قوام و تداوم خانواده‌های روستایی و نیل به استقلال مالی و اقتصادی آنها دارد. از سوی دیگر بخش کشاورزی، سهم مهمی نیز در GNP کشور و کمک به استقلال و خودکفایی آن دارد. این بخش، تنها تولیدکننده مواد غذایی است و انسان‌ها بدون غذا نمی‌توانند ادامه حیات دهند و مسلماً خودکفایی در زمینه محصولات غذایی، خطر وابستگی به واردات مواد غذایی را کاهش می‌دهد.

در حال حاضر، جامعه روستایی ایران و بخش کشاورزی از جنبه‌های مختلف، دچار تغییرات زیادی شده است. در این تحقیق، هدف بررسی برخی از این تغییرات به‌ویژه در حوزه فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی است. در حال حاضر وضعیت فعالیت برخی از زنان روستایی در بخش کشاورزی دچار تغییراتی شده است که البته در بین جوامع روستایی مختلف که دارای وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی خاصی هستند، تفاوت‌هایی در این خصوص وجود دارد و این امر قابل تعمیم به تمامی نقاط نیست. روستای مورد مطالعه، روستای «میانده»<sup>۱</sup> است که در محدوده سیاسی دهستان کسما<sup>۲</sup> در بخش مرکزی شهرستان صومعه‌سرا از توابع استان گیلان قرار دارد. سؤالات اساسی این مطالعه عبارتند از اینکه وضعیت فعالیت‌های زنان روستایی در خانواده، در گذشته و حال چه تفاوتی کرده است؟ در صورت تحول و تفاوت بین وضعیت فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در گذشته و حال، این تحول، در بین کدام گروه‌های سنی و به چه صورت بوده است؟ و عمده‌ترین دلایل تحول فعالیت‌های اقتصادی، در بین گروه‌های سنی مختلف ناشی از چیست؟ و نتایج ناشی از این تغییرات چیست؟ بررسی این موضوعات از این جهت اهمیت دارد که امکان دستیابی به شناخت و درک جدیدی از وضعیت جامعه روستایی معاصر را فراهم می‌کند تا در فرایند برنامه‌ریزی به‌منظور نیل به توسعه روستایی پایدار، تغییرات جامعه روستایی نیز مدنظر قرار گیرد و برنامه‌ریزی‌ها، مبتنی بر شناخت از جامعه روستایی معاصر باشد.

1 Miande

2 Kasma

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

### مرور مطالعات پیشین

نظر به اینکه در این پژوهش با روش کیفی نظریه بنیانی به طرح سؤال‌های تحقیق پرداخته‌ایم، بنابراین نمی‌توان به شکل قیاسی و از نظریه و مدل نظری، به طرف داده‌ها رفت؛ بلکه باید از طریقه بررسی داده‌ها با روش کیفی مذکور به استخراج نظریه پرداخت و برای این منظور فقط به مرور مطالعات انجام شده در این باره اکتفا شده است. با بررسی مدل‌های نظری مطالعات بسیاری که در سایر کشورها صورت گرفته، به شناخت متغیرهای مداخله‌گر پرداخته شده است و در این مطالعات به تیپ‌بندی فعالیت‌ها، تغییر فعالیت‌ها و علل و عوامل مؤثر بر فعالیت زنان روستایی و به اهمیت نقش زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی اشاره شده که همگی بر مشارکت فراوان زنان روستایی در این نوع فعالیت‌های اقتصادی تأکید کرده‌اند (بانک جهانی، ۱۹۹۵؛ بگچی، ۱۹۸۲؛ دو، ۱۹۸۵؛ سپرینگ، ۱۹۸۷؛ راجولا دوی، ۱۹۸۹؛ تیمسینا، ۱۹۸۹). در این تحقیقات عموماً نقش زنان روستایی در فرایند مذکور، مشکلات زنان و ارائه راه‌حلهایی برای رفع آنها، تحلیل پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی در دوران گذار، تغییرات در جامعه روستایی و تأثیرات آن بر زنان روستایی مطالعه شده است (اف‌اف‌تی‌سی<sup>۱</sup> و آر دی آر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ فائو، ۱۹۹۴: ۱۹۹۶؛ دانشگاه سازمان ملل، ۱۹۹۳؛ شوارتز و وایدجال، ۲۰۰۶؛ کندی و کوچیل، ۱۹۹۸).

در ایران نیز در طی سال‌های گذشته، تحقیقات بسیاری درباره نقش زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی انجام شده است. اکثر این مطالعات، بر مشارکت گسترده زنان روستایی در فرایند مذکور تأکید داشته‌اند (صالحین، ۱۳۸۲؛ محب‌حسینی، ۱۳۷۱؛ سامعی‌پور، ۱۳۸۱؛ وفایی، ۱۳۸۲؛ امیرنیا، ۱۳۸۰؛ رسول پورعربی، ۱۳۷۶؛ سرحدی و دیگران، ۱۳۷۰ و ...) و صرفاً تعداد معدودی از آنها، در کنار بررسی موضوع فوق، به کاهش فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی نیز اشاره مختصری کرده‌اند (خانی، ۱۳۷۵؛ علیرضانژاد، ۱۳۷۳؛ بشردوست، ۱۳۷۳؛ مطیع، ۱۳۶۶؛ پورطرق، ۱۳۸۰) به طوری که با تدوین فرضیاتی از قبل، به آزمون فرضیات در میدان تحقیق پرداخته‌اند. به اعتقاد آنها، وضعیت مالی خوب خانوار، وسعت زیاد زمین خانوار، غیرکشاورز بودن همسر یا پدر، افزایش سن زنان، بالا بودن سطح تحصیلات زنان روستایی یا همسرشان، نگرش منفی مرد در مورد انجام فعالیت کشاورزی زن، و ورود تکنولوژی و مکانیزاسیون بر کاهش فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی تأثیرگذار است.

1 Food and Fertilizer Technology Center

2 Rural Development Administration

در مطالعه حاضر از رویکرد کیفی استفاده شده و بدون طرح فرضیه‌ای خاص درباره دلیل وقوع پدیده مذکور، به بررسی عمده‌ترین دلیل یا دلایل کاهش فعالیت زنان روستایی، از دیدگاه خود شرکت‌کنندگان توجه شده است.

### روش تحقیق

در این مطالعه، ابتدا به منظور بررسی وضعیت فعالیت‌های زنان روستایی در گذشته و حال، از روش ارزیابی سریع روستایی (RRA) استفاده شد. در این مرحله، تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته، مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی)، استفاده از برگه‌های یادداشت روزانه و تحلیل صرف‌وقت زنان روستایی، تدوین تقویم فعالیت‌های زنان در فرایند تولید محصولات کشاورزی، رسم نقشه اجتماعی، تهیه جدول مادر با مشارکت روستاییان و برش عرضی تاریخی بود (چمبرز، ۲۰۰۵: ۱۳۷۶؛ ازکیا، ۱۳۸۷؛ فمی و دیگران، ۱۳۸۳). جمع‌آوری یافته‌های این مطالعه، در طول یک سال زراعی (فروردین تا اسفند ۱۳۸۵) انجام شد. در این مطالعه، به منظور آگاهی از میزان ساعات اختصاص یافته به کار کشاورزی، شواهد کمی مورد نیاز از برگه‌های یادداشت روزانه به دست آمد؛ به طوری که در دو روز از هر ماه (اول و پانزدهم)، تمامی کارهای<sup>۱</sup> کشاورزی زنان و میزان ساعات آن، در برگه‌های مذکور ثبت شد. تعداد زنان روستایی که برگه‌های یادداشت روزانه را تکمیل می‌کردند، ۲۵ نفر بود که با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی منظم انتخاب شده بودند.<sup>۲</sup> از آنجایی که

---

۱ در این مطالعه، منظور از کار هر فعالیتی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در قبال اخذ دستمزد یا بدون اخذ دستمزد در فرایند تولید محصولات کشاورزی انجام شود.

۲ ابتدا در ماه اسفند سال ۱۳۸۴، با مشارکت روستاییان، همزمان با تهیه نقشه روستا، لیستی از همه خانوارهای روستای میانه به همراه ویژگی‌هایشان، تهیه شد. سپس زنان روستایی براساس متغیرهایی به چند گروه طبقه‌بندی شدند. متغیرهای مورد نظر عبارت بودند از: سن، دارا بودن فرزند و بالعکس، زنان سرپرست خانوار، خانوارهای گسترده، دختران مجردی که مادرشان در قید حیات نیست و مسئولیت امور با آنهاست، چندشغله بودن سرپرست مرد خانوار و خانوارهایی که علاوه بر انجام فعالیت‌های رایج در روستا، فعالیت‌هایی را نیز انجام می‌دادند که در گذشته -۵۰ سال پیش- در روستا رایج بود. دسته‌بندی فوق بدین منظور صورت گرفت که از تمامی گروه‌های موجود در روستا، نمونه‌هایی انتخاب شود و میانگین ساعات کاری آنها با یکدیگر مقایسه گردد تا به تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها از این نظر پی برده شود. طبق متغیرهای مزبور، افراد در هشت گروه طبقه‌بندی شدند و تعداد خانوارهای هر گروه مشخص شد. در مرحله بعد با استفاده از نمونه‌گیری

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

اکتفا به این برگه‌ها و کسب اطلاعات کمی کافی نبود، از تکنیک‌های مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی) و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته نیز در هر بار مراجعه به روستا استفاده شد. در طی این یک سال با بهره‌گیری از تکنیک‌های فوق، دربارهٔ ویژگی‌های روستای میانده، انواع فعالیت‌های کشاورزی رایج در آن، نحوهٔ انجام فعالیت‌های مذکور، شیوهٔ تقسیم کار بین مردان و زنان روستایی، تقویم فعالیت‌های زنان روستایی در بخش کشاورزی و میانگین ساعات کاری آنها در بین گروه‌های مختلف، آگاهی حاصل شد<sup>۱</sup>. همچنین نوع و حجم فعالیت‌های کشاورزی در زمان گذشته و حال مقایسه گردید. پس از تحلیل داده‌های فوق و پی بردن به کاهش فعالیت زنان روستایی در زمان حاضر، با استفاده از روش نظریهٔ بنیانی - بر اساس اصول و رویه‌های اشتراک و کوربین - تلاش شد تا به دلایل ظهور این پدیده در روستای میانده پی برده شود. روش نظریهٔ بنیانی معمولاً برای پژوهش دربارهٔ موضوعاتی به کار می‌رود که قبلاً مطالعهٔ چندانی در مورد آنها انجام نشده و نیاز به بررسی و فهم عمیق‌تر آنها وجود دارد (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۵: ۱۷). در این مطالعه نیز، با توجه به اینکه نیاز به بررسی عمیق‌تر موضوع وجود داشت و تا به حال تحقیقی در ایران، به بررسی دلایل کاهش فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی نپرداخته بود، ضرورت انجام مطالعه دربارهٔ موضوع فوق با استفاده از این روش بیشتر احساس شد. روش نظریهٔ بنیانی برای تحلیل داده‌هایی که در طی فرایند تحقیق جمع‌آوری می‌شود، به کار می‌رود. در این مرحله، با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته<sup>۲</sup> (فردی

---

سه‌میه‌ای، سهمیه هر گروه تعیین شد. سپس از طریق نمونه‌گیری تصادفی منظم، با توجه به سهمیه هر گروه، مشخص شد که چه افرادی به‌عنوان شرکت‌کنندگان مطالعه انتخاب شوند.

۱ در مقاله حاضر، امکان اشاره به تمامی موضوعات فوق وجود ندارد و علاقمندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر به پایان‌نامه مراجعه کنند.

۲ در اولین مصاحبه، سؤال اول دربارهٔ میزان کار زنان در گذشته و مقایسه آن با زمان حال و دومین سؤال دربارهٔ دلیل کاهش کار زنان بوده و بقیه سئوالات، از درون جواب‌های افراد به سؤال‌های قبل طرح شده است. در مصاحبه‌های بعد، علاوه بر پرسیدن دو سؤال فوق و سئوال‌های برخاسته از داده‌های مصاحبه‌های قبل دربارهٔ مقوله‌های کشف شده، سئوالاتی نیز از درون جواب‌های مشارکت‌کنندگان حاضر در جلسهٔ مصاحبه، طرح شده است. لازم به ذکر است که نگارندگان پس از یکسال مطالعه دربارهٔ موضوع اول، راجع به میزان کار زنان روستایی در گذشته و حال اطلاعات کافی کسب کرده بودند و علت پرسیدن سؤال اول این است که مایل به لقاء این موضوع به مشارکت‌کننده نبودند و قصد داشتند تا مشارکت‌کننده، خود به موضوع کاهش کار زنان روستایی اذعان کند و سپس سؤال دوم مطرح شود.

و گروهی)، مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی) و یادداشت‌های نگارندگان در فرایند مطالعه، داده‌ها جمع‌آوری شد. علاوه‌براین، داده‌هایی نیز که در طی یک سال مطالعه راجع به وضعیت فعالیت‌های زنان، جمع‌آوری شده بود، همگی در تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

عناصر اساسی نظریه بنیانی عبارتند از مفاهیم<sup>۱</sup>، مقوله‌ها<sup>۲</sup> و قضایا<sup>۳</sup>. مفاهیم از طریق نام‌گذاری یا برچسب‌زنی به یک پدیده (جمله، پاراگراف، مورد مشاهده‌ای و ...) به دست می‌آیند. مقوله‌ها با مقایسه مداوم مفاهیم با یکدیگر و گروه‌بندی آنها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، برای دستیابی به سطح انتزاع بالاتر ساخته می‌شوند (اشتراوس و کوربین<sup>۴</sup>، ۱۳۸۵: ۶۱) و قضایا نیز بیانگر روابط تعمیم‌یافته میان یک مقوله و مفاهیمش و میان مقوله‌های جدا از هم هستند (پاندیت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶: ۲). محقق در روش نظریه بنیانی، به‌طور مکرر در حال ساخت مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا است.

یکی از مهم‌ترین اصول روش نظریه بنیانی، توأمان نمودن گردآوری، تجزیه و تحلیل و مقایسه مداوم داده‌ها با یکدیگر است (کوربین و اشتراوس، ۱۹۹۰: ۲۰۰۳؛ آلن، ۲۰۰۷؛ ون دون، ۲۰۰۶؛ میلز، ۲۰۰۴؛ سکات، ۲۰۰۴؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴؛ ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۵؛ حریری، ۱۳۸۵). در مطالعه با روش نظریه بنیانی، تحلیل داده‌ها با سه رویه کدگذاری باز<sup>۶</sup>، محوری<sup>۷</sup> و انتخابی<sup>۸</sup> صورت می‌گیرد و محقق در طی انجام مطالعه، به‌طور مداوم در حال رفت و برگشت بین این سه مرحله است و ملزم به رعایت توالی بین آنها نیست.

در مرحله کدگذاری باز، پیاده کردن متن مصاحبه‌ها، مرور داده‌ها، استخراج مفاهیم از داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه، مقایسه مفاهیم با هم، دسته‌بندی مفاهیم بر اساس تشابهات و تفاوت‌ها و تشکیل مقوله‌ها، انتخاب نام مناسب برای مقوله‌ها انجام می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۱) و نیز مقایسه مقوله‌ها، به‌منظور کشف ارتباط بین مقوله‌ها بر اساس معیارهای نظریه بنیانی<sup>۹</sup> و

- 1 Concepts
- 2 Categories
- 3 Propositions
- 4 Strauss & Corbin
- 5 Pandit
- 6 Open coding
- 7 Axial coding
- 8 Selective coding

۹ شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها کدام است؟

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

دوباره برگزاری مصاحبه و کسب داده‌های خام و تحلیل آنها طبق مراحل فوق، تا زمانی که مقوله‌های اصلی ظاهر شوند.

در کدگذاری محوری، داده‌هایی که در کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، به شیوه‌های جدیدی به یکدیگر می‌پیوندند تا ارتباط میان یک مقوله اصلی و مقولات فرعی‌اش نمایان شود (پاندیت، ۱۹۹۶). در این مرحله، برای هر مقوله اصلی، ۶ سوال - شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای عمل/تعامل و پیامدها کدامند؟ - مطرح می‌شود و جواب‌های سؤال‌ها از بین مقوله‌های فرعی، استخراج شده و در کنار مقوله‌های اصلی ثبت می‌شود. در واقع با ترسیم مدل‌هایی، ارتباط بین مقوله‌های اصلی با فرعی نشان داده می‌شود که این کار برای تلخیص و تلفیق مقوله‌ها ضروری است. البته اتکای صرف به مقوله‌های فرعی کافی نیست و در این مرحله نیز فرایند جمع‌آوری و تحلیل همزمان داده‌ها طبق مراحل فوق ادامه می‌یابد تا هیچ نکته مبهمی درباره شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای یک مقوله اصلی باقی نماند. این مراحل بسیار وقت‌گیر و مستلزم اقامت طولانی در جامعه مورد مطالعه است.

در کدگذاری انتخابی نیز روایت داستان، کشف مقوله مرکزی تحقیق و مرتبط ساختن آن با سایر مقوله‌ها بر طبق مدل پارادایمی، اعتبار بخشیدن به روابط بین مقوله‌ها در تقابل با داده‌های خام، پرکردن جاهای خالی و تکمیل مقوله‌های فرعی که نیاز به اصلاح و بسط دارند و توضیح خط اصلی داستان انجام می‌شود (کوربین و اشتراوس، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

### روش نمونه‌گیری

در روش نظریه بنیانی تعداد شرکت‌کننده‌های تحقیق از ابتدا مشخص نیست و به تدریج با جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مشخص می‌شود و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که داده‌های جدید، تکرار یافته‌های قبلی باشند و محقق به اشباع برسد (کوربین و اشتراوس، ۱۹۹۰؛ کولی و موین، ۲۰۰۶). در این مطالعه، برای انتخاب شرکت‌کننده‌های تحقیق، تلاش شد از طریق مصاحبه با برخی زنان روستایی به‌دسته‌بندی رایج در روستا، در مورد آنها پی برده شود. این دسته‌بندی بر اساس معیار «سن» است؛ به‌طوری‌که، برای زنان گروه‌های سنی مختلف از سه اصطلاح استفاده می‌شود؛ بدین‌صورت که

برای تمامی دختران و زنان بین ۱-۳۵ سال، اصطلاح «کُر<sup>۱</sup> (کله<sup>۲</sup> یا قیس<sup>۳</sup>)»، برای زنان گروه سنی ۵۰-۳۵ سال، اصطلاح «زَناک»<sup>۴</sup> و برای زنان گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال نیز اصطلاح «پیرزَناک»<sup>۵</sup> به کار به کار می‌رود. بعد از کشف طبقه‌بندی فوق، با برخی دیگر از زنان، صحبت شد تا آنها نیز درستی یا نادرستی آن را تأیید کنند که همگی درباره این موضوع اتفاق نظر داشتند. در این مطالعه، زنان بالاتر از ۵۰ سال به عنوان نسل اول، زنان ۳۵-۵۰ سال، نسل دوم و دختران و زنان ۱-۳۵ سال نیز، نسل سوم در نظر گرفته شدند. سپس با برخی از افراد هر نسل، مصاحبه شد.

به عقیده صاحب‌نظران بهتر است در مطالعه با روش نظریه بنیانی، ترکیبی از دو نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۶</sup> و نمونه‌گیری نظری<sup>۷</sup> استفاده شود (ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، افراد به این دلیل انتخاب می‌شوند که اطلاعات دست اول و فراوانی درباره یک پدیده دارند؛ یا اینکه پدیده مورد نظر را تجربه کرده یا دیدگاه‌های خاصی درباره آن دارند (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۵: ۲۷). اما «در نمونه‌گیری تئوریک، انتخاب هر شرکت‌کننده جدید، به نمونه‌ها یا شرکت‌کنندگان قبلی و داده‌های حاصل از آنها بستگی دارد. محقق معمولاً می‌کوشد تا به صورت هدفمند، بر مبنای اینکه در پی یافته‌های اولیه، چه نوع اطلاعات خاصی مورد نیاز است، شرکت‌کنندگان جدید را انتخاب کند. بنابراین، اینکه بعداً چه کسانی انتخاب شوند، تحت تأثیر این است که قبلاً چه کسانی آمده‌اند و چه اطلاعاتی داده‌اند. به عبارت دیگر در نمونه‌گیری تئوریک، جمع‌آوری داده‌های بیشتر، در پرتو مقوله‌ها و مفاهیمی که از داده‌های قبلی استخراج شده است، انجام می‌شود» (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۵: ۳۰). در این مطالعه نیز کار با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف آغاز شد و در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها، با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. از آنجایی که قرار بود اولین سؤال درباره میزان فعالیت زنان روستایی در زمان‌های گذشته پرسیده شود، بنابراین در ابتدا برخی از زنان نسل اول به عنوان اولین گروه انتخاب شدند؛ زیرا آنها علاوه بر تجربه زندگی در زمان حال، از نوع و میزان فعالیت زنان در زمان‌های گذشته نیز اطلاع داشتند. بنابراین از این گروه، ۴ نفر انتخاب شدند که همگی بین ۵۰-۷۰ سال سن داشتند.

- 1 Kor
- 2 Kale
- 3 Qeys
- 4 Zanāk
- 5 Piyrezanāk
- 6 Purposeful
- 7 Theoretical

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

پس از برگزاری مصاحبه اول، تجزیه داده‌های اولیه، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با هم، تشکیل مقوله‌ها و برقراری ارتباط بین آنها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کننده‌های بعدی استفاده شد. داده‌هایی که در طی مصاحبه اول به دست آمد، علاوه بر اینکه ذهن را متوجه موضوعات جدیدی نمود، موجب طرح سئوالاتی نیز شد که ضرورت پرسش از شرکت‌کنندگان دیگری - از نسل‌های دیگر - را در مصاحبه بعدی مطرح کرد. این روند تا زمان برگزاری آخرین مصاحبه و رسیدن به مرحله اشباع ادامه یافت. در واقع داده‌های حاصل از هر مصاحبه، مقوله‌های ایجاد شده و فرایند برقراری ارتباط بین مقوله‌ها بر اساس معیارهای نظریه بنیانی، راهنمای طرح پرسش‌های جدید و انتخاب افرادی از سه نسل مذکور بود. فرایند مراجعه به شرکت‌کنندگان از نسل‌های مختلف و تعداد آنها، به ترتیب زیر بود:

نسل اول (۴)، نسل دوم (۱)، نسل دوم (۱)، نسل سوم (۱)، نسل اول (۱)، نسل سوم (۳)، نسل سوم (۱)، نسل اول (۳)، نسل دوم (۴)، نسل دوم (۱)

تعداد افراد مصاحبه‌شونده، به ۲۰ نفر رسید. البته پس از برگزاری تمام مصاحبه‌های فوق، هنگامی که سئوالاتی درباره یک مقوله خاص ایجاد می‌شد، مصاحبه‌های فردی کوتاهی نیز برگزار می‌گشت. پرسیدن سئوال تا آخرین مراحل مطالعه، حتی در حین نوشتن شرح تحلیلی از مدل‌ها و داستان ادامه داشت. به دلیل تداوم مطرح شدن سئوال تا آخرین مراحل مطالعه است که صاحب‌نظران معتقدند تعداد شرکت‌کننده‌ها در این روش، تا آخرین لحظات مطالعه قابل پیش‌بینی نیست.

### یافته‌های تحقیق

روستای میانه، در بخش جلگه‌ای شهرستان صومعه‌سرا، در بستری کاملاً هموار، بدون عارضه طبیعی خاص واقع شده است. فاصله روستا با شهر صومعه‌سرا حدود ۱۲ کیلومتر است و دارای مسیرهای ارتباطی متعددی با صومعه‌سرا، تولم‌شهر و آبادی‌های اطراف است (مهندسین مشاور شهر آب خزر، ۱۳۸۳: ۳۸). روستای میانه در سال ۱۳۸۵، ۵۶۷ نفر جمعیت و ۱۷۱ خانوار داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). اقتصاد روستای میانه مانند سایر نقاط روستایی استان گیلان بر محور کشاورزی تکوین یافته است و از جمله روستاهایی است که به دلیل وجود ویژگی‌های طبیعی مناسب در آن، برای کشت محصولاتمانند برنج، انواع صیفی‌جات، حبوبات، سبزیجات، نیشکر، بادام زمینی،

کنجد، توتون و درختان میوه مانند گوجه‌سبز، سیب، پرتقال، نارنج، توت، انار، لیمو شیرین، کیوی، انگور، انجیر، خرمالو، بالنگ و ... بسیار مستعد است. کشت توتون، نیشکر و پرورش کرم ابریشم صرفاً توسط عده معدودی از خانوارها انجام می‌شود؛ ولی کشت برنج و محصولات ماند صیفی، سبزیجات و حبوبات تقریباً در تمامی خانوارها عمومیت دارد. پرورش ماکیان و دام نیز در روستا رایج است. یافته‌های این مطالعه، با همه محدودیت و تعمیم‌ناپذیری به جامعه روستایی کل کشور، نشان می‌دهد که در میزان کار زنان روستایی در بخش کشاورزی، شاهد تغییراتی هستیم که در آینده ممکن است از سرعت و شدت بیشتری برخوردار شود. طبق یافته‌های تحقیق، میانگین ساعات کار زنان در دو فصل بهار و تابستان نسبت به سایر فصول بالاتر است که با توجه به نوع فعالیت‌هایی که در این دو فصل انجام می‌شود، امری طبیعی است. میانگین ساعات کار زنان روستایی در سال ۱۳۸۵، به ترتیب در خرداد، ۶/۳؛ در شهریور، ۶/۳؛ در اردیبهشت، ۵/۹؛ در مرداد، ۵/۷؛ در فروردین، ۴/۲ و در تیر، ۴ ساعت در روز بوده است. در ماه‌های مهر تا اسفند نیز میانگین ساعات کار آنها بین ۳-۴ ساعت در روز، متغیر بوده است. در بین گروه‌های مورد مطالعه، میانگین ساعات کار زنان به ترتیب در گروه هشتم<sup>۱</sup>، ۷/۸؛ در گروه دوم<sup>۲</sup>، ۵/۸؛ در گروه پنجم<sup>۳</sup> و هفتم<sup>۴</sup>، ۵؛ در گروه چهارم<sup>۵</sup>، ۴/۹؛ در گروه اول<sup>۶</sup>، ۴/۵؛ در گروه سوم<sup>۷</sup>، ۳/۹ و در گروه ششم<sup>۸</sup>، ۲/۲ ساعت در روز، بوده است. همچنین میانگین ساعات کار همه گروه‌ها در طول سال ۱۳۸۵، ۴/۵ ساعت در روز بوده است. بالاترین میانگین در گروه هشتم مشاهده شد؛ زیرا در خانوار مذکور علاوه بر انجام فعالیت‌های رایج در روستا، تمامی فعالیت‌هایی که در گذشته نیز در روستای میانه رایج بود، انجام می‌شود مانند پرورش کرم ابریشم، کشت توتون و نیشکر. کمترین میانگین ساعات کار نیز در گروه ششم مشاهده شد که برابر با ۲/۲ ساعت در روز بوده است. این گروه شامل زنان متأهل زیر ۴۰ سال است که دارای فرزند نیز هستند.

- ۱ انجام فعالیت‌های رایج در زمان گذشته و حال
- ۲ خانواده تک‌سرپرست مرد همراه با دختر
- ۳ زنان متأهل ۴۰ ساله و بالاتر بدون فرزند
- ۴ زنان متأهل ۴۰ ساله و بالاتر دارای فرزند
- ۵ زنان سرپرست خانوار
- ۶ سرپرست زارع و شغل دیگر
- ۷ خانواده گسترده
- ۸ زنان متأهل زیر ۴۰ سال دارای فرزند

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

مراجعه مکرر به روستا -۲۴ مرتبه در طول سال ۱۳۸۵- یافته‌های حاصل از مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی، مصاحبه، برگه‌های یادداشت روزانه و گفته‌های زنان مسن روستا و مقایسه آنها از گذشته و حال، همگی کاهش کار زنان را تأیید می‌کرد. در طی این بررسی، آگاهی از موضوعاتی مانند کاهش میزان ساعات و روزهای کار در شالیزار برای نشاء، وجین (اول و دوم) و درو<sup>۱</sup>؛ کاهش وسعت باغ صیفی و سبزیجات و کشت محصولات فوق در حد مصرف روزمره خانوار و در مقابل افزایش وسعت باغ درخت - که دیگر نیازی به فعالیت زنان در آن نیست - برای استفاده در صنعت چوب؛ اشتغال صرفاً ۸ خانوار به کشت توتون و پرورش کرم ابریشم (۲ خانوار به کشت توتون و ۴ خانوار به پرورش کرم ابریشم و ۲ خانوار نیز توأمان به کشت توتون و پرورش کرم ابریشم)؛ اشتغال فقط ۴۲ خانوار به پرورش و نگهداری دام؛ کشت نیشکر در ۸ خانوار، عدم کاشت محصولاتی مانند خربزه، هندوانه، پیاز و سیب‌زمینی و ...، در مقایسه با زمان‌های گذشته؛ نگارندگان را از کاهش کار زنان مطمئن ساخت<sup>۲</sup>.

در بین نمونه‌های مورد مطالعه، برخی از زنان به دلایلی مانند کهولت سن، بیماری و داشتن فرزند کوچک، میزان ساعات کمتری را به کار اختصاص می‌دادند و از کارگران روزمزدی استفاده می‌کردند. اما این موضوع به همه زنان روستایی تعمیم داده نمی‌شود؛ زیرا بر اساس مشاهدات، برخی از زنان روستایی حتی با وجود چنین مواردی، اوقات زیادی را در روز به انجام کار اختصاص می‌دادند و نقش مهمی را در تأمین درآمد خانوار ایفا می‌کردند و برعکس برخی نیز با وجود برخورداری از سلامت جسمانی و قرار داشتن در سنین پایین‌تر و نداشتن فرزند کوچک، ساعات کمی را به کار اختصاص می‌دادند. بنابراین با توجه به این موضوعات و نیاز به مطالعه بیشتر درباره دلایل کاهش کار زنان، بررسی بیشتر درباره این موضوع، اهمیت یافت. البته گرچه به‌کارگیری تکنولوژی، در کاهش کار زنان

---

۱ به گفته زنان مسن روستا، در زمان‌های گذشته، زنان روستایی مدت زیادی را - ۳۰، ۲۰ روز - صرف نشاء می‌کردند و بلافاصله بعد از اتمام نشاء، علف‌های هرز را از قسمت ابتدای زمین - نقطه‌ای که نشاء از آنجا شروع شده بود - وجین می‌کردند؛ زیرا در طی انجام نشاء، علف‌های هرز آن قسمت از زمین رشد کرده بود و زمان وجین اول فرا رسیده بود. با پایان وجین اول، وجین دوم نیز از همان ابتدای زمین شروع می‌شد و به این ترتیب آنها عموماً بین ۵۰-۴۰ روز و گاهی نیز بیشتر در شالیزار به سر می‌بردند. امروزه با استفاده از کارگر روزمزدی، نشاء شالیزار، وجین اول و وجین دوم هر کدام بین ۲-۵ روز طول می‌کشد.

۲ با پرس‌وجو از زنان مسن روستا روشن شد که در زمان‌های گذشته، فعالیت‌های فوق در بین تمامی خانوارها رایج بوده است و روستاییان وقت زیادی را صرف انجام این کارها می‌کردند.

نقش داشته است؛ ولی در این روستا، کارهایی مانند شخم و مسطح کردن زمین، درو برنج - معدود - و خرمن کوبی و برنج کوبی، به وسیله ماشین و توسط مردان انجام می شود و بقیه مراحل تولید محصولات کشاورزی - اعم از اموری که توسط مردان یا زنان انجام می شود - با دست صورت می گیرد و در این مطالعه، کشف دلایل کاهش کار زنان در این حوزه‌ها مدنظر بوده است.

در مطالعه حاضر، موضوعات جدیدی درباره کاهش کار زنان کشف شد. موضوعاتی که صرفاً با مطالعه کیفی، امکان شناخت و فهم دقیق آنها میسر بود. این مطالعه نشان داد که درباره دلایل تغییرات در میزان کار زنان، نمی توان صرفاً به یک یا چند عامل خاص، آن‌هم بدون در نظر گرفتن ارتباط آنها با سایر عوامل و نیز شرایط خاص زندگی هر یک از نسل‌ها اشاره کرد. دلایل وقوع این پدیده، به نوعی درهم تنیده‌اند و هر کدام در شرایط خاص خود و با وجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر قابل درک است. در واقع عوامل کشف شده در طی فرایند تحقیق، همگی در کنار هم موجب کاهش کار زنان روستایی شده‌اند.

آنچه که پس از ماه‌ها گردآوری و تحلیل داده‌ها، به‌عنوان مقوله مرکزی این پژوهش کشف شد، «پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری» است که در واقع یافته اصلی این مطالعه محسوب می‌شود. این مقوله، علاوه بر اینکه به شکل‌های مختلف در داده‌ها تکرار شده، با سایر مقوله‌های تحقیق ارتباط دارد و تمامی آنها را پوشش می‌دهد. در ادامه، ارتباط مقوله مرکزی با سایر مقولاتی که شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای تعامل با پدیده و پیامدهای به‌کارگیری راهبردها هستند، در مدل زیر نشان داده می‌شود.

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

شکل ۱: مدل دلایل کاهش فعالیت زنان روستایی<sup>۱</sup>



۱ در مطالعه حاضر ابتدا در مرحله کدگذاری محوری، با توجه به تعداد مقوله‌های اصلی کشف شده، شش مدل ترسیم شد و مدل فوق، مدل نهایی این مطالعه در مرحله کدگذاری انتخابی است که در واقع ماحصل مدل‌های شش‌گانه می‌باشد. مدل‌های شش‌گانه پیرامون مقوله‌های اصلی «سست شدن ارزش کار کشاورزی»، «عدم تمایل والدین به کار کردن دختر»، «کاهش همیاری»، «نیاز به نیروی کار»، «تمایل به نصفه‌کاری و اجاره‌کاری» و «تمایل خانوارها به زندگی در شهر» ترسیم شده و در آنها ارتباط بین مقوله‌های اصلی و فرعی نشان داده شده است. همچنین برای هر کدام از مدل‌ها، شرح تحلیلی جداگانه‌ای نوشته شده است که علاقمندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر، به پایان‌نامه مذکور مراجعه کنند.

• شرایط علی مربوط به پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری

عواملی که موجب ظهور پدیده «دگرگونی ارزشی-هنجاری» در روستای میانده شده‌اند، «تأثیرپذیری از جامعه شهری»، «تمایل به شهری‌بودن»، «مقایسه خود با دختران و زنان شهرنشین»، «تنها راه دستیابی به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر: ادامه تحصیل»، «نگرش منفی والدین روستایی نسبت به روستانشینی فرزندان و انجام فعالیت کشاورزی توسط آنها» و «تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از برخی امکانات زندگی» هستند. امروزه به دلیل گسترش آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی، وسعت ارتباط شهر و روستا، حضور روستاییان در شهر به‌عنوان مهمان و حضور مهمانانی از شهرهای مختلف در روستا، مهاجرت بسیاری از روستاییان به شهر و مشاهده تغییر پایگاه اجتماعی-اقتصادی آنها از سوی روستاییان ساکن در روستا، امکان آشنایی با مظاهر زندگی شهری، ترویج الگوهای زندگی شهری در روستا و تغییر وجه‌نظر و الگوهای رفتاری روستاییان فراهم شده است. یکی از پیامدهای چنین وضعیتی، این است که تمایل به شهری‌بودن در بین دختران و زنان روستایی نسل سوم افزایش یافته است. دختران و زنان جوان روستایی با مشاهده جلوه‌هایی از زندگی دختران و زنان شهرنشین و مقایسه خود با آنها، به تفاوت‌ها پی می‌برند و سعی می‌کنند با پیروی از نحوه زندگی آنها، تفاوت‌ها را کاهش دهند. در واقع بسیاری از دختران و زنان جوان روستایی از اینکه روستایی هستند، احساس خوبی ندارند و مادامی که در روستا زندگی می‌کنند، سعی می‌کنند مانند یک فرد شهرنشین رفتار کنند که عدم انجام کار کشاورزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روستایی بودن در بسیاری از روستاها، یکی از مصادیق این نوع زندگی است.

همچنین در گذشته، خانوارهای روستای میانده، به‌دلایلی در مقابل ادامه تحصیل دختران مقاومت می‌کردند. این دلایل، عدم اعتقاد به ضرورت تحصیل فرزند، نقش اقتصادی دختران و نیاز بسیار به نیروی کار آنها و ازدواج دختران در سنین پایین بود. اما امروزه، والدین روستایی (نسل دوم و سوم) معتقدند تنها راه دستیابی فرزندان به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهتر، ادامه تحصیل است و از این طریق، امکان اشتغال در مشاغل دیگر (به غیر از کشاورزی) و بهره‌مندی از زندگی بهتر فراهم می‌شود و سربلندی فرزند و خانواده در جامعه را به همراه دارد.

درباره نگرش منفی والدین روستایی (نسل دوم و سوم) به روستانشینی فرزندان و انجام کار کشاورزی توسط آنها می‌توان گفت در روستای میانده هیچ خانواده‌ای را نمی‌توان یافت که همه یا

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

برخی از اقوام‌شان در شهر زندگی نکنند؛ بنابراین در طول سال، به‌ویژه در ایام تعطیلات نوروز و تابستان، خانوارهای روستا میزبان اقوام شهرنشین خود هستند و گاهی اوقات آنها نیز به شهر نزد اقوام خود می‌روند. طبیعی است که با وجود چنین روابطی، مقایسه شدت بیشتری می‌یابد و والدین به‌دلیل ارزشمندی شهری بودن و شهرنشینی و نیز به‌دلیل آسایش و راحتی فرزندان و عدم تمایل به داشتن سبک زندگی شبیه آنها، علاقه بیشتری به شباهت نحوه زندگی دختران خود با شیوه زندگی دختران اقوام و آشنایان دارند. بنابراین با عدم واگذاری کار به دختران در فصل زراعت و یاد ندادن کار به آنها، تمایل به ازدواج دختر با مرد غیرکشاورز، تمایل به زندگی وی در شهر و برخورداری از امکانات زندگی شهری و ... این هدف را دنبال می‌کنند. بدین ترتیب، عامل مذکور نیز همانند عوامل دیگر، زمینه را برای دگرگونی ارزشی-هنجاری و آغاز فرایند تغییر سبک زندگی مهیا می‌کند. در چنین شرایطی، دختران روستایی، از همان دوران نوجوانی آینده‌ای به غیر از پرداختن به کشاورزی و زندگی در روستا را تصور می‌کنند و برای دستیابی به آن تلاش می‌نمایند.

همچنین در حال حاضر از لحاظ بهره‌مندی از برخی امکانات ضروری زندگی، تفاوت زیادی بین بسیاری از روستاهای کشور با شهرها وجود دارد که روستای میانه نیز از این امر مستثنی نیست. مسلماً نبود امکاناتی از قبیل دسترسی به گاز، خط تاکسی، مطب پزشک و داروخانه، وجود مکان‌هایی برای خرید و ... که همگی موجبات آسایش زنان روستایی را در زندگی فراهم می‌کنند، به تدریج روی گردانی از زندگی در روستا و تمایل به داشتن سبک زندگی دیگری را به دنبال دارد که امکانات فوق در آن مهیا باشد. اهالی روستای میانه معتقدند مهاجرت به شهر تنها راهی است که امکان برخورداری از این شیوه زندگی را فراهم می‌کند و این امر نیز در کنار سایر عوامل، منجر به کاهش میزان کار زنان روستایی می‌شود.

#### • پدیده ناشی از شرایط علی

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان از وقوع پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری و آغاز فرایند تغییر سبک زندگی در روستای میانه سخن گفت که ممکن است در آینده از شدت، میزان و سرعت بیشتری برخوردار شود. در روستای میانه، فرایند دگرگونی از «ارزش‌های زندگی روستایی» به «ارزش‌های زندگی شهری» با تأکید بر جهت‌گیری از «تولید و کار» به سوی «مصرف و رفاه» مشاهده می‌شود.

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری بسط یافته‌اند. پدیده «دگرگونی ارزشی-هنجاری» از ویژگی‌هایی مانند میزان، شدت و زمان‌مندی برخوردار است. این پدیده، در میان همه خانوارها دیده می‌شود؛ اما میزان شدت و ضعف آن در بین خانوار متفاوت است؛ به طوری که در بین دختران و زنان نسل دوم و به ویژه سوم بیشتر مصداق می‌یابد و در بین زنان نسل اول بسیار کم‌رنگ است که این موضوع بیانگر شکاف نسلی بین این دو نسل (به ویژه سوم) با نسل اول است. با توجه به یافته‌ها، به نظر می‌رسد به تدریج با گذشت زمان، تغییر در ارزش‌ها و وجه نظرهای نسل جدید از میزان و شدت بیشتری برخوردار شود.

#### • شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردها

شرایط مداخله‌گر، تسهیل‌کننده یا محدودکننده راهبردهایی هستند که افراد برای تعامل با پدیده به کار می‌گیرند. در این مطالعه «وضعیت مالی»، «توانایی تأمین نیازهای زندگی در شهر» و «شکاف نسلی» به عنوان شرایط مداخله‌گر شناخته شدند که هر یک از آنها بر به کارگیری برخی راهبردها تأثیر می‌گذارد. به طوری که وضعیت مالی روستاییان به عنوان یک عامل محدودکننده یا تسهیل‌کننده، بر به کارگیری کارگر روزمزدی تأثیرگذار است. افراد با درجات مختلف وضعیت مالی، تدابیر مختلفی را در این باره اتخاذ می‌کنند. خانوارهای با وضعیت مالی خوب، در تأمین هزینه‌های به کارگیری نیروی کارگر روزمزدی با مشکل چندانی روبرو نیستند؛ اما خانوارهای با وضعیت مالی ضعیف، برای رفع نیازهای خود در این زمینه، به شیوه‌های دیگری - مانند قرض گرفتن پول از علاف<sup>۱</sup> - رومی آورند. در واقع هر دو نوع خانوار به دلایلی که گفته شد، از کارگر روزمزدی برای انجام کارهای کشاورزی استفاده می‌کنند و وضعیت مالی، تنها نقش عاملی تسهیل‌کننده یا محدودکننده - و نه تعیین‌کننده - را در این باره ایفا می‌کند.

۱. در فرهنگ معین، علاف allāf به فرد علف‌فروش، برنج فروش و کسی که جو، کاه، هیزم یا علف بفروشد (معین، ۱۳۸۱: ۶۹۹) اطلاق شده است. در روستای میانده، علاف به مغازه‌دارانی گفته می‌شود که در شهر - عموماً در کسما - به خرید و فروش شلتوک و برنج می‌پردازند و در نقش واسطه بین روستاییان و تاجران برنج عمل می‌کنند. علاوه بر این، آنها در فصل کار به روستاییان نیازمند پول قرض می‌دهند و در ازای آن، پس از برداشت محصول، از روستاییان مقداری شلتوک با قیمتی کمتر از قیمت معمول در بازار، طلب می‌کنند.

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

همان‌قدر که توانایی تأمین نیازهای زندگی در شهر، به‌عنوان عاملی تسهیل‌کننده، بر مهاجرت خانوارهای روستایی به شهر مؤثر است، عدم توانایی در این زمینه نیز مانع مهاجرت عده‌ای از خانوارهای علاقمند به زندگی در شهر می‌شود. خانوارهایی که از وضعیت مالی خوبی - به‌دلیل داشتن زمین زیاد، دوشغله بودن مرد سرپرست خانوار و ... - برخوردارند، خانوارهایی که در شهر دارای شغلی هستند و خانوارهایی که از سوی فرزندان حمایت مالی می‌شوند، خانوارهایی هستند که توانایی تأمین نیازهای زندگی خود را در شهر دارند.

یکی دیگر از شرایط مداخله‌گر، وجود شکاف نسلی در روستای میابنده است. با استناد به داده‌های حاصل از این مطالعه، می‌توان وجود شکاف نسلی بین نسل دوم و به‌ویژه سوم را با نسل اول تأیید کرد. هر چه شکاف نسلی بین خانواده‌های نسل دوم و سوم با نسل اول، شدیدتر باشد، تحصیلات نیز در میان این قبیل خانواده‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و لذا توصیه کشاورز به فرزندان برای ادامه تحصیل بیشتر است. توصیه به ادامه تحصیل در بین همه نوع خانوار با درجات مختلف وضعیت مالی دیده می‌شود؛ گرچه یک خانوار با وضعیت مالی ضعیف در مقایسه با خانواری با وضعیت مالی خوب، در پرداخت هزینه ادامه تحصیل فرزند با مشکلاتی مواجه می‌شود. همچنین هر چه شکاف نسلی بین این دو نسل با نسل اول بیشتر باشد - یعنی نگرش نسل‌های مذکور در مورد انجام کار کشاورزی و زندگی در روستا، با نگرش نسل اول تفاوت بسیاری داشته باشد -، زمینه برای به‌کارگیری راهبردهایی مانند «عدم تمایل به انجام فعالیت کشاورزی»، «تلاش دختران و زنان روستایی در مشابهت نحوه زندگی خود با شیوه زندگی دختران و زنان شهرنشین» و «توصیه کشاورز به فرزندان در خصوص کشاورز نبودن و زندگی در شهر» تسهیل می‌شود. لازم به‌ذکر است که وجود شکاف نسلی علاوه بر راهبردهای فوق، بر به‌کارگیری راهبردهای دیگر نیز تأثیرگذار است.

#### • راهبردهای مربوط به پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری

مسلماً با وقوع هر پدیده‌ای در جامعه، از راهبردهایی برای اداره، مدیریت و پاسخ به آن استفاده می‌شود. با ظهور پدیده دگرگونی ارزشی-هنجاری، که خود ریشه در عوامل گوناگونی دارد، طبیعتاً اعتبار و ارزش انجام کارهای کشاورزی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی غیردلخواه، سست می‌شود و به‌دنبال آن تمایل به انجام کار در بین دختران و زنان نسل دوم و به‌ویژه سوم کاهش می‌یابد.

در چنین شرایطی به منظور جبران کمبود نیروی کار، استفاده از کارگر روزمزدی<sup>۱</sup> به عنوان بهترین راه حل مورد توجه قرار می گیرد. تلاش دختران و زنان روستایی در مشابهت نحوه زندگی خود با شیوه زندگی افراد شهرنشین، به منظور رهایی از سبک زندگی غیردلخواه، یکی دیگر از راهبردها است. همچنین با تمایل روستاییان به سبک زندگی جدید، توصیه کشاورز به فرزندان برای ادامه تحصیل، کشاورز نبودن<sup>۲</sup> و زندگی در شهر از جمله راهبردهایی است که به منظور آسایش و راحتی فرزندان اتخاذ می شود.

مسلماً با گرایش به سبک زندگی ای متفاوت از گذشته، برخی خانوارها نه تنها از انجام کار کشاورزی، بلکه از زندگی در روستا نیز رویگردان می شوند و به شهر مهاجرت می کنند<sup>۳</sup>. در این تحقیق، منظور از

---

۱ در روستای میانه، کارگران روزمزدی از روستاهای دیگر برای انجام کار به این روستا می آیند. برای یافتن کارگران روزمزدی، صاحب زمین، به روستاهای دارای نیروی کار فراوان می رود و کارگر می آورد. البته در سالهای اخیر به دلیل رواج بیش از حد راهبرد مذکور، افرادی با عنوان واسطه، برای متقاضیان کارگر فراهم می کنند و از این راه درآمد کسب می نمایند. با مراجعه به روستا در زمان نشاء، وجین و درو نیز اطلاعیه هایی در دهستان و روستا، مبنی بر فراهم کردن کارگران نشاءکار، وجین و درو با ذکر شماره تلفن مشاهده می شد. اکثر کارگران زن که به روستای میانه می آیند، در روستاهای دهستان مرکیه زندگی می کنند. به گفته اهالی روستای میانه، ساکنین مرکیه بسیار فقیر هستند، میزان زمین آنها کم است و تعداد نیروی کار زن نیز در این منطقه بسیار فراوان است؛ به طوری که در هر خانوار به طور متوسط، ۳-۴ زن وجود دارد. همچنین معتقدند شیوه زندگی آنها، شبیه به وضعیت زندگی در روستای میانه، البته نظیر وضعیتی است که در ۳۰ سال قبل رایج بود. زنان مرکیه از آغاز نشاء تا پایان وجین دوم - ۲-۱/۵ ماه- هر روز در روستاهای دیگر در شالیزار کار می کنند. در مصاحبه با یکی از راننده هایی که هر روز از مرکیه به میانه، کارگر حمل می کرد، مشخص شد که ۴ کارگر زن در مائین وی، به مدت ۱/۵ ماه، هر روز به روستای میانه برای انجام نشاء، وجین و وجین دوم آمده بودند.

۲ والدین روستایی معتقدند فرزندان با انجام کارهای غیرکشاورزی، درآمد بیشتری کسب می کنند. علاوه بر این، حقوق ثابت که به طور ماهیانه نصیب فرد می شود، در نزد روستاییان از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که چندین بار مشاهده شد که در هنگام تعریف و تمجید از فرزند یکی از اهالی که در شهر مشغول به کار است، بر حقوق بگیر بودن وی -به طور ماهانه- بسیار تأکید می کردند.

۳ روستای میانه در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ به ترتیب دارای ۱۱۹۲، ۱۳۱۷، ۱۰۹۰، ۸۴۰ و ۵۶۷ نفر جمعیت و ۲۱۸، ۲۴۳، ۲۲۳، ۱۷۱ خانوار بوده است (مرکز آمار ایران، ۲۱:۱۳۴۸؛ ۵۰:۱۳۶۰؛ ۱۴:۱۳۶۷؛ ۱۴:۱۳۷۶؛ ۱۳۸۶). بعد خانوار نیز به ترتیب در سالهای فوق، ۵/۵، ۵/۴، ۵، ۳/۸، ۳/۳ بوده است (محاسبات نگارنده). همان طور که در آمارهای فوق مشاهده می شود، جمعیت روستا در طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ افزایش یافته؛ اما در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۸۵، به طور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است که با توجه به کاهش بعد خانوار و نیز تعداد خانوارها، مهم ترین دلیل آن را می توان مهاجرت های فردی و دسته جمعی اعضای خانوارهای روستای میانه به شهر دانست. البته مرگ اعضای برخی از خانوارها (به ویژه کهنسالان روستا). کاهش میزان زاد و ولد در روستا به دلیل عدم اسکان جوانان در روستا در دوران بعد از ازدواج و ... نیز از دلایل کاهش جمعیت روستا به شمار می رود.

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

خانوارهای مهاجر، آن دسته از خانوارهایی<sup>۱</sup> است که روند مهاجرت آنها از سال ۱۳۷۵ شروع شده و تا زمان حاضر ادامه دارد.<sup>۲</sup> به گفته اهالی روستا، مهاجرت جوانان روستا به صورت فردی، از سال ۱۳۴۰ شروع شده و از آن تاریخ به بعد روز به روز بر تعدادشان افزوده شده است. در واقع در روستای میانه، مهاجرت جوانان به شهر امری طبیعی قلمداد می‌شود و هیچ خانوار روستایی را نمی‌توان یافت که فرزند یا فرزندان در شهرهای دیگر زندگی نکنند. اما نکته قابل توجه دیگر این است که مهاجرت خانوارهای روستایی، در سال‌های اخیر - از سال ۱۳۷۵ به بعد - به شدت افزایش یافته و روزه‌روز نیز تعدادشان بیشتر می‌شود؛ به طوری که در طی انجام این مطالعه، مهاجرت ۶ خانوار به شهر صومعه‌سرا مشاهده شد. اکثر خانوارها برای رهایی از روستانشینی و انجام امور زراعی و به منظور برخورداری از امکانات زندگی شهری به شهر مهاجرت کرده‌اند که البته اصرار برخی فرزندان - به دلیل تمایل به شهری بودن - نیز در این باره، نقش مهمی را ایفا می‌کند. عده معدودی نیز که از کهنسالان روستا هستند، به دلیل ابتلاء به بیماری یا تنهایی پس از فوت همسر، نزد فرزندان خود در شهر به سر می‌برند. طبق اطلاعات جدول مادر، ۶۶ درصد از والدین خانوارهای مهاجر، از نسل اول، ۲۹ درصد از نسل دوم و ۵ درصد نیز از نسل سوم هستند. البته هر یک از این خانوارها، فرزندان از نسل‌های دوم و سوم دارند که گاهی اصرار آنها به والدین، برای مهاجرت به شهر بسیار اثرگذار است. دلیل درصد پایین خانوارهای نسل سوم این است که افراد این نسل عموماً پس از ازدواج، اصلاً در روستا اقامت نمی‌کنند که بتوان آنها را نیز جزء خانوارهای روستا قلمداد کرد. اگر این قبیل خانوارها را نیز در نظر بگیریم، مسلماً تعداد آنها بیشتر از خانوارهای نسل اول خواهد بود. اسکان در شهر در دوران بعد از ازدواج، از سال‌های پیش در بین نسل سوم آغاز شده است.<sup>۳</sup>

۱ منظور خانوارهایی است که سال‌های زیادی در روستا ساکن بوده‌اند و دختران یا پسرانی - خانوارهای دو نفره - را شامل نمی‌شود که پس از ازدواج در شهر ساکن شده‌اند و زندگی مشترک خود را در آنجا آغاز کرده‌اند.

۲ در حین تکمیل جدول مادر، علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات درباره خانوارهای ساکن در روستا، راجع به خانوارهایی نیز اطلاعات کسب شد که در طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵ از روستا به شهر مهاجرت نموده بودند.

۳ اطلاعات جدول مادر از مهاجرت وسیع جوانان روستا به شهر حکایت می‌کند. جوانان ترجیح می‌دهند زندگی مشترک خود را در شهر آغاز کنند و صرفاً برخی از آنها به دلیل محدودیت مالی، در چند سال اول زندگی مشترک، در روستا زندگی می‌کنند و سپس با بهبود وضعیت مالی به شهر مهاجرت می‌کنند.

• پیامدهای به کارگیری راهبردها

به کارگیری هر یک از راهبردها، پیامدهایی را به دنبال دارد؛ به طوری که استفاده از کارگر روزمزدی منجر به «اتمام سریع کار در شالیزار»، «کاهش ساعات کار زنان»، «ضرورت پذیرایی از کارگران»، «ضرورت نظارت بر کارگران»، «افزایش میزان دستمزد کارگران به دلیل بالا رفتن تقاضا»، «افزایش هزینه کاشت، داشت و برداشت» و «بدهکار شدن برخی روستاییان به علاف» می شود. بسیاری از زنان روستایی سعی می کنند با استفاده از تعداد زیادی کارگر، طی ۵-۱ روز، نشاء، وجین یا درو را به اتمام برسانند و مانند زمان های گذشته، مدت زمان زیادی را در شالیزار سپری نکنند. البته کاهش ساعات کار زنان<sup>۱</sup>، پیامد سایر راهبردهای مذکور در مدل نیز است.

دستمزد کارگران روزمزدی نیز مانند سایر عوامل تولید، هر ساله نسبت به سال های قبل افزایش می یابد. در سال ۱۳۸۶ دستمزد هر کارگر زن برای نشاء و وجین بین ۱۵۰۰۰-۱۷۰۰۰ تومان در روز بوده و در مواقاتی که کمبود نیروی کارگر بیشتر احساس می شد، به ۲۰۰۰۰ تومان نیز رسیده است. علاوه بر دستمزد کارگر، تدارک صبحانه، ناهار، عصرانه و کرایه تاکسی وی نیز بر عهده صاحب زمین است. برخی از روستاییان برای تأمین این هزینه ها، از علاف ها، پول قرض می گیرند و در مقابل، پایان فصل درو چند کیسه شلتوک با قیمتی کمتر از قیمت رایج در بازار می پردازند. علاف ها نیز شلتوک ها را به کارگاه برنجکوبی می برند و پس از تبدیل به برنج، آنها را در انبار نگهداری می کنند و با قیمت بالاتری به تاجران برنج می فروشند.

از طرف دیگر، پیامدهایی مانند «ادامه تحصیل فرزندان»، «عدم تمایل فرزند به انجام فعالیت کشاورزی» و «عدم تمایل فرزند به زندگی در روستا» با توصیه والدین به این امور، مشاهده می شود. مهاجرت به شهر نیز دارای پیامدهایی در مبدأ و مقصد است که در اینجا پیامدهای مهاجرت در مبدأ مدنظر است. پیامدهای مهاجرت خانوارها به شهر «فروش، اجاره، نصفه کاری یا کشت زمین توسط

---

۱. یکی از یافته های قابل توجه مطالعه حاضر این است که کاهش همیاری در بین زنان روستایی نیز، به عنوان یکی از دلایل کاهش کار زنان روستایی شناخته شد. به طوری که امروزه به دلیل تمایل به انجام کار کمتر، کاهش هنجار معامله متقابل، رشد بی تفاوتی نسبت به هم، کاهش صمیمیت و تمایل افراد به گرفتن مزد در قبال انجام کار، همیاری برای انجام فعالیت زراعی، کاهش یافته است. خانوارها نیز به دلیل کمبود نیروی کار، از کارگر روزمزدی استفاده می کنند. در شیوه انجام کار به همراه کارگر روزمزدی، بر خلاف شیوه کار با یاور، نیازی به عرضه نیروی کار به کارگران نیست و باید در ازای انجام کار، دستمزد نقدی به آنها پرداخت شود. بنابراین در این شیوه، زنان روستایی ساعات کمتری را برای انجام فعالیت کشاورزی در مزرعه صرف می کنند که این امر موجبات رضایت خاطر آنها را فراهم می کند.

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

کارگر در بین خانوارهای مهاجر، «فروش خانه به شهرنشین‌ها، اجاره به مستأجران روستایی، خالی ماندن خانه و...»، «افزایش حضور افراد غیربومی در روستا» و «تمایل سایر روستاییان به مهاجرت» هستند. طبق داده‌های حاصل از جدول مادر، اکثر مهاجرین<sup>۱</sup> به شهر (۳۸ خانوار) زمین خود را به صورت نصفه‌کاری (۸ خانوار) یا اجاره (۳۰ خانوار) به روستاییان ساکن در روستا واگذار کرده‌اند. برخی از آنان (۷ خانوار) نیز همه زمین‌های خود را فروخته‌اند یا اینکه قسمت اعظم زمین‌ها را فروخته و مالکیت مقدار کمی را حفظ کرده‌اند تا برنج مصرفی خود را تأمین کنند و این مقدار زمین باقی‌مانده نیز به شیوه اجاره یا نصفه‌کاری، بهره‌برداری می‌شود. اجاره، بیشترین شکل واگذاری زمین در بین خانوارهای مهاجر است. در این نوع بهره‌برداری، نیاز کمتری به حضور صاحب زمین در روستا وجود دارد؛ ولی در بهره‌برداری نصفه‌کاری، صاحب زمین به‌منظور پرداخت برخی هزینه‌ها، بایستی به روستا مراجعه کند. خانوارهای مهاجر به دلیل عدم تمایل به مراجعه مستمر به روستا، ترجیح می‌دهند زمین خود را به‌طور اجاره واگذار کنند. البته در میان مهاجران، عده معدودی (۷ خانوار) در فصل زراعت به روستا مراجعه کرده و زمین زراعی خود را به همراه کارگران، به زیر کشت می‌برند. در مورد باغ درخت نیز، برخی آن را می‌فروشند و برخی مالکیت آن را حفظ کرده و پس از گذشت ۵-۷ سال از رشد درختان، آنها را با قیمت قابل توجهی می‌فروشند.

بیشتر خانه‌های مهاجرین خالی است و بسیاری از صاحبان آنها، قصد فروش خانه را دارند و با پیشنهاد قیمت خوب از سوی خریدار، سریعاً خانه را می‌فروشند. برخی خانه‌ها توسط شهرنشینانی از شهر تهران خریداری شده که برای گذران اوقات فراغت به روستا می‌روند. در برخی خانه‌ها نیز مستأجر زندگی می‌کند و در برخی دیگر، صاحب خانه یا فرزندان، در فصل زراعت در آن اقامت می‌کنند. با افزایش فروش خانه به افراد شهرنشین، روزبه‌روز شاهد افزایش حضور افراد غیربومی و مهمانان‌شان در روستا هستیم. اخیراً ۳ واحد از خانه‌های روستا، توسط سه خانوار شهرنشین خریداری شده است که با هم نسبت فامیلی دارند. از سوی دیگر اهالی روستای میانه با مشاهده مهاجرت برخی از خانوارهای روستا به شهر، بیشتر ترغیب می‌شوند که آنها نیز همانند آشنایان، همسایه‌ها و دوستان

---

۱ در این تحقیق منظور از خانوارهای مهاجر، آن دسته از خانوارهایی است که در طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵ مهاجرت کرده‌اند. تعداد این قبیل خانوارها که ویژگی‌های‌شان -دلیل مهاجرت، مقصد، وضعیت زمین و خانه- نیز در جدول مادر ثبت شده است، ۵۳ خانوار می‌باشد.

خود مهاجرت کنند. این امر وقتی شدت می‌یابد که روستاییان مهاجرت کرده، از افراد محبوب و سرشناس روستا باشند.

### نتیجه‌گیری

در گذشته در جامعه روستایی، نوعی وفاق بر اساس سنت‌های کهن وجود داشت و اعضای جامعه از روال معینی در زندگی پیروی می‌کردند. عدم احداث راه‌های روستایی، عدم ارتباطات گسترده با جوامع دیگر، اعم از روستاها و شهرهای اطراف و تردد در آنها، عدم پیشرفت فنی، فقدان وسایل ارتباط جمعی و کم‌سواد یا بی‌سواد روستاییان همگی از عواملی هستند که در کندی روند تغییرات اجتماعی مؤثر بوده است. افراد از نسل‌های مختلف، دارای شباهت‌های بسیاری از لحاظ افکار و عقاید، نحوه رفتار، نوع پوشاک و ... بودند. ولی به مرور زمان، به واسطه وجود عوامل فوق و تشدید روند تغییرات در جامعه روستایی، تفاوت‌ها در بین فرزندان و نسل‌های گذشته بیشتر شد؛ به طوری که به تدریج همسانی و شباهت در نحوه زندگی نسل‌های مختلف کاهش یافت.

بر اساس یافته‌های تحقیق، اکنون برخی از زنان روستایی برخلاف گذشته، دیگر تمایلی به انجام کار کشاورزی ندارند؛ به طوری که عدم تمایل آنها به کار، موجب استفاده بسیار از کارگر روزمزدی در برنج‌کاری، روآوردن به بهره‌برداری اجاره‌داری و نصفه‌کاری، کاهش وسعت باغ‌های صیفی و سبزیجات و ... شده است. البته گرچه میانگین ساعات کار زنان، مصاحبه‌ها و مشاهدات انجام شده، مبین کاهش کار کشاورزی آنها است، اما این موضوع به این معنی نیست که کارهایی - در زمینه کشت برنج - که زنان روستایی در گذشته انجام می‌دادند، امروزه انجام نمی‌شود یا توسط مردان و یا به وسیله ماشین صورت می‌گیرد؛ بلکه امروز نیز همان فعالیت‌ها را زنان و بدون استفاده از ماشین انجام می‌دهند؛ با این تفاوت که این بار فعالیت‌های مذکور، توسط زنان روستایی غیربومی انجام می‌شود که از نقاط دیگر، برای انجام کار در فصل زراعت به روستای میانه می‌آیند. بنابراین زنان علاوه بر ایفای نقش همسری، مادری و مدیریت خانه، همچنان در فرایند تولید محصولات کشاورزی نقش مهمی دارند و گاهی اوقات میزان ساعات کاری آنها بسیار زیاد است که البته این گفته نیز تا زمانی صحت دارد که کارگران روزمزدی، مانند امروز همچنان مایل به انجام کار در مزرعه باشند.

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

با توجه به داده‌های کسب شده، می‌توان گفت کاهش کار کشاورزی، بیشتر در بین دختران و زنان روستایی نسل سوم مشهود است. عمده‌ترین دلیل کاهش کار زنان، ظهور پدیده «دگرگونی ارزشی - هنجاری»<sup>۱</sup> (با تأکید بر جهت‌گیری از تولید و کار به سوی مصرف و رفاه) در روستای میانه است که در آغاز فرایند تغییر سبک زندگی در بین دختران و زنان روستایی، نقش مهمی ایفا می‌کند. ظهور پدیده فوق که سست شدن ارزش کار کشاورزی، یکی از مؤلفه‌های آن است، دلیل اصلی کاهش فعالیت زنان روستایی است و بروز این پدیده در بین نسل دوم و به ویژه سوم از وجود شکاف نسلی در بین این دو نسل با نسل اول حکایت می‌کند.

در بین زنان روستایی نسل اول نیز، عمده‌ترین دلیل کاهش کار، ابتلا به بیماری و ناتوانی جسمی در اثر کهنسالی است. آنها عموماً در خانواری دونفره یا تک‌نفره - به دلیل فوت همسر - به سر می‌برند و فرزندان‌شان در شهرهای دور یا نزدیک زندگی می‌کنند. در بین زنان روستایی نسل اول، برخی که توانایی انجام امور مربوط به پذیرایی از کارگران، نظارت بر آنها و حتی انجام کار به همراه کارگران را دارند، از کارگر روزمزدی استفاده می‌کنند؛ ولی افرادی که توان جسمانی‌شان در اثر ابتلا به بیماری‌های مختلف و کهولت سن کاهش یافته است، با وجود تمایل زیاد به انجام کار، به ناچار زمین‌شان را به صورت اجاره یا نصفه‌کاری به افراد دیگر واگذار می‌کنند. البته آنها با وجود بیماری و ناتوانی شدید، در مقایسه با زنان نسل دوم، گاهی اوقات مدت زمان بیشتری در باغ صیفی و سبزیجات فعالیت می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت که درباره دلایل تغییرات در میزان کار کشاورزی زنان، نمی‌توان صرفاً به یک یا چند عامل خاص، آن‌هم بدون در نظر گرفتن ارتباط آنها با سایر عوامل و نیز شرایط خاص زندگی هر یک از نسل‌ها اشاره کرد. دلایل ظهور این پدیده، به نوعی درهم تنیده‌اند و هر کدام در شرایط خاص خود و با وجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر قابل درک است. در واقع عوامل کشف شده، همگی در کنار هم موجب کاهش کار زنان شده‌اند. به طوری که تأثیرپذیری از جامعه شهری، تمایل به شهری‌بودن، مقایسه با دختران و زنان شهرنشین و تمایل به مشابهت نحوه زندگی خود با شیوه زندگی آنها، داشتن تحصیلات عالی، عدم تمایل والدین به انجام فعالیت کشاورزی توسط دختران به دلیل اینکه

۱ پدیده دگرگونی ارزشی - هنجاری، مقوله مرکزی مطالعه حاضر است که پس از ماه‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل همزمان داده‌ها، در مطالعه با روش نظریه بنیانی کشف شده است.

این امر را مایهٔ آسایش و راحتی آنها تلقی می‌کنند، اولویت قائل شدن برای ادامه تحصیل به جای کار در مزرعه، تمایل والدین به شهرنشین بودن فرزندان، کاهش همیاری، ابتلا به بیماری در اثر انجام کار و تشدید آن با کار مداوم، تمایل به اتمام سریع‌تر کار در شالیزار به دلیل افزایش توجه به حفظ سلامتی، اعتقاد به کسب آسایش و راحتی بدون صرف اوقات زیاد در شالیزار برای انجام کار سخت و طاقت‌فرسا، ناتوانی جسمی در اثر کهنسالی، مهاجرت به شهر برای برخورداری از امکانات و تسهیلات زندگی شهری، هر یک به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب کاهش میزان کار زنان شده است که برخی از عوامل صرفاً در نسل اول، برخی در نسل دوم، برخی در نسل سوم و برخی در بین هر سه نسل، وجود دارد.

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که موجب شده روستای میانه نسبت به برخی از روستاهای دیگر، بسیار سریع‌تر دچار تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای رایج شود، نحوهٔ مالکیت زمین در دوران ارباب و رعیتی است. با پرس و جو از اهالی مشخص شد که در گذشته، روستا دارای سه مالک بزرگ و چند مالک کوچک بوده است. این موضوع به این معنی است که میانه، جزء روستاهای خرده‌مالکی بوده که به جای یک مالک بزرگ و مقتدر، چندین مالک داشته است. به طوری که این امر سبب عدم محدودیت روابط اجتماعی روستاییان با محیط بیرون از روستا شده و در نتیجه روستا، بسیار زودتر از سایر روستاهایی که تحت حاکمیت یک مالک مقتدر بوده‌اند، پذیرای تغییرات شده است؛ زیرا در اینجا اقتدار صرف یک مالک بزرگ، غالب نبوده است که مانع ارتباط روستاییان با محیط بیرون و مهاجرت به شهر و آشنایی سریع آنها با ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی شهری شود (طالب، ۱۳۸۶).

از جمله اندیشمندانی که به بررسی پدیده‌هایی مانند شکاف نسلی، تغییر سبک زندگی، دگرگونی ارزش‌ها و ... پرداخته‌اند، اینگلهارت و بوردیو هستند. اینگلهارت، در نظریهٔ تحول فرهنگی خود دربارهٔ جوامع صنعتی، بر اساس دو فرضیهٔ کمیابی و اجتماعی شدن، عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دههٔ ۶۰ جامعهٔ اروپا و دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی را در میان نسل جوان تبیین کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۷-۷۵). بوردیو، نیز بنیان نظری محکمی برای تحلیل پدیدهٔ مصرف و سبک زندگی پدید آورده است (جنکینز، ۱۳۸۵: ۲۱۰). تحلیل بوردیو درباره سبک زندگی

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

بر سرمایه فرهنگی مبتنی است و وی در نظریه تمایز خود، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی فرهنگی افراد را تبیین می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۴ و ۴۲).

مطالعه‌ای دیگری که درباره دگرگونی ارزشی در ایران انجام شده است، نتیجه مطالعه حاضر را تأیید می‌کند. در تحقیقی که بعد از سال ۱۳۶۸ صورت گرفته، عوامل مؤثر بر دگرگونی ارزشی در ایران (ارزش‌های معنوی به‌سوی ارزش‌های مادی)، نابرابری؛ نمایش ثروت؛ نیازآفرینی از طریق واردات کالا؛ تبلیغات و نمایش کالاهای لوکس و مدرن؛ کاهش درآمدها؛ مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت؛ فشار هنجاری (با ارزش تلقی شدن ثروت و مایه آبروریزی، تحقیر و شرمندگی بودن فقر) و انتشار (تلاش همه برای دستیابی به مقیاس ارزشی ظواهر مادی) ذکر شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۷). با مقایسه نتایج این مطالعه با تحقیق حاضر، می‌توان به تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها پی برد. مطالعه مذکور، درباره دگرگونی ارزشی در سراسر ایران - شهر و روستا - و با توجه به دوره‌های متفاوت زمانی انجام شده و مردان و زنان در سه طبقه ثروتمند، فقیر و متوسط، بررسی شده‌اند و در آن از دگرگونی ارزش‌های معنوی به ارزش‌های مادی بحث شده است. ولی در مطالعه حاضر صرفاً یک روستا، یک دوره زمانی و یک گروه خاص (زنان روستایی سه نسل) مورد توجه بوده است و به دگرگونی ارزش‌های زندگی روستایی به ارزش‌های زندگی شهری با تأکید بر جهت‌گیری از تولید و کار به‌سوی مصرف و رفاه پی برده شد. شباهت‌های این دو مطالعه، عمدتاً در زمینه برخی از دلایل بروز دگرگونی ارزشی-هنجاری است. در مطالعه فوق، نمایش ثروت از سوی ثروتمندان و در تحقیق حاضر، نمایش زندگی شهرنشینی و جلوه‌های آن از سوی شهرنشینان، از دلایل بروز این پدیده بوده است. بر اساس یافته‌های مطالعه مذکور، مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، در فرایند تبدیل ثروت به ارزش، نقش مهمی ایفا می‌کند که در پژوهش حاضر نیز به وجود این پدیده در بین دختران و زنان جوان نسل سوم، پی برده شد.

علاوه‌براین، به وجود نابرابری اجتماعی و شکاف بین فقیر و ثروتمند در ایران، به‌عنوان مهم‌ترین منشاء با ارزش شدن ثروت اشاره کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۷۰). در این مطالعه نیز یکی از دلایل ارزشمندی زندگی شهرنشینی، وجود تفاوت بین شهر و روستا از لحاظ برخورداری از برخی امکانات ضروری بود. درباره عامل فشار هنجاری که در مطالعه مذکور به آن اشاره شده است، می‌توان گفت در روستای میانه نیز برخی از دختران و زنان نسل سوم، انجام کار کشاورزی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های

روستایی بودن را مایه شرمساری تلقی می‌کنند و در صورت پرداختن به آن، احساس می‌کنند به پرستیژ اجتماعی آنها لطمه وارد شده است. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، عامل انتشار نیز در این روستا مشاهده گشت. بین یافته‌های دو مطالعه فوق، مشابهت‌های زیادی وجود دارد که دلیل آن، انجام هر دو تحقیق در ایران و مطالعه افراد ایرانی است.

در ادامه، یافته‌های مطالعه حاضر با مطالعات تجربی دیگر مقایسه می‌شود. یکی از یافته‌های قابل توجه مطالعه حاضر این است که عامل وضعیت مالی خوب که از سوی تحقیقات پیشین، به عنوان یکی از دلایل مهم کاهش کار کشاورزی زنان، مورد تأکید بود، در اینجا صرفاً به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در به‌کارگیری کارگر روزمزدی عمل می‌کند و دلیل اصلی عدم تمایل به انجام کار و کاهش کار زنان نیست و خانوارهای فرودست به لحاظ مالی نیز، تمایل کمی به انجام کارهای کشاورزی دارند. همچنین یافته‌ها نشان داد که کاهش فعالیت زنان روستایی، هم در بین خانوارهای دارای زمینی با مساحت کم و هم در بین خانوارهای دارای زمین زیاد وجود دارد.<sup>۱</sup> در تحقیقات پیشین، غیرکشاورز بودن سرپرست مرد خانوار نیز یکی دیگر از دلایل کاهش کار زنان ذکر شده بود. در روستای میانه، شغل اکثر مردان روستایی، کشاورزی است و تعداد معدودی<sup>۲</sup> از آنها علاوه بر کشاورزی، شغل دیگری نیز دارند و با وجود کشاورز بودن همسر یا پدر، کاهش کار زنان مشاهده می‌شود. در این تحقیق مشخص شد میزان کار زنان نسل سوم، بسیار کمتر از نسل‌های دیگر است و زنان نسل اول - با وجود کهولت سن - در صورت برخورداری از توانایی و سلامتی جسمانی، میزان فعالیت‌شان، از نسل‌های دوم و سوم بسیار بیشتر است که این یافته نیز با تحقیقات دیگر متفاوت است. درباره نگرش منفی همسر نسبت به انجام فعالیت کشاورزی توسط زن، می‌توان گفت که در مطالعه حاضر، روستاییان به این موضوع اشاره نکردند و بسیاری از کارها در این روستا، زنانه قلمداد می‌شود و در مواردی که زنان روستایی آنها را انجام ندهند، کارگران روزمزدی زن، از نواحی روستایی اطراف انجام می‌دهند. علاوه بر این، فعالیت‌های زنان در حوزه نشاء، وجین، درو برنج، کاشت، داشت و برداشت محصولات باغی، بدون استفاده از تکنولوژی خاصی و صرفاً با دست انجام می‌شود. بنابراین

۱ میزان زمین خانوارها در جدول مادر ثبت شده است.

۲ طبق اطلاعات جدول مادر، ۹۳٪ از سرپرستان خانوار، کشاورز هستند و فقط ۷٪ علاوه بر کشاورزی، شغل دیگری نیز دارند.

### بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

در این روستا عامل به‌کارگیری تکنولوژی - همان‌طور که در مطالعات قبلی اشاره شده - موجب کاهش کار آنها در این حوزه نشده است. البته برخورداری از تحصیلات عالی که در مطالعه حاضر به‌عنوان یکی از دلایل عدم تمایل به کار کشاورزی شناخته شد، با یافته تحقیقات پیشین مشابهت دارد.

در این مطالعه به ارزشمندی زندگی شهرنشینی در بین روستاییان و تلاش برای نیل به آن پی برده شد که طبق نتایج تحقیق، تأثیرپذیری از جامعه شهری و تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از برخی امکانات زندگی، از مهم‌ترین عوامل بروز آن است. درباره نقش عامل تأثیرپذیری از جامعه شهری بر افزایش تمایل روستاییان به زندگی شهرنشینی، به‌ویژه در نسل دوم و سوم، راه‌حلی به ذهن نمی‌رسد؛ اما درباره تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از امکانات، می‌توان یکی از راهکارهای مؤثر را تلاش در کاهش تفاوت آنها از این نظر دانست؛ به‌طوری‌که روستا نیز همانند شهر به امکاناتی مجهز باشد که موجبات آسایش و رفاه زنان و مردان روستایی را فراهم می‌کند. به‌نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی نیز با نمایش مستمر جلوه‌های زندگی شهری، نقش مهمی در ترویج سبک زندگی شهری و ارزشمندی آن داشته باشند که این امر به‌نوبه خود، در رویگردانی روستاییان به‌ویژه نسل جوان از زندگی و کار در روستا بسیار تأثیرگذار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران، پس از شناخت صحیح ارزش‌های مثبت فرهنگ روستایی، آنها را نیز به‌طور هنرمندانه، در برنامه‌های خود برجسته کنند. همچنین می‌توان در کتاب‌های درسی کودکان و نوجوانان، از ارزش‌های مثبت فرهنگ روستایی سخن گفت تا فرزندان، از همان دوران کودکی با ارزش‌های فرهنگ روستایی آشنا شوند که البته تحقق این امر در گرو شناخت صحیح فرهنگ روستایی از سوی دست‌اندرکاران است.

وقتی در جامعه‌ای شهری بودن و زندگی در شهر از ارزش بیشتری برخوردار باشد، مسلماً هر کس از آن پیروی نکند، با نوعی تحقیر از سوی دیگران روبرو است و بنابراین برای رهایی از تحقیر دیگران، از آنچه ارزش است و مورد قبول اکثریت اعضای جامعه است، پیروی می‌کند. جوانی که به‌دلیل روستایی بودن و زندگی در روستا، از سوی دوستان شهرنشین‌اش مورد تمسخر قرار می‌گیرد، در جهت تغییر محل اقامت دائم و سبک زندگی خود تلاش می‌کند - از این جوان نمی‌توان انتظار داشت که در مزرعه، کار کشاورزی انجام دهد - همچنین این امر موجب می‌شود رویگردانی از زبان، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ روستایی که کار در مزرعه نیز جزئی از آن است، به تدریج در کودکان و نوجوانان روستایی نضح یابد. بنابراین مطلوب است که احترام به جامعه روستایی، فرهنگ آن و

روستاییان به یک ارزش تبدیل شود که این امر نیازمند انجام فعالیت‌های فرهنگی به منظور تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به این موضوع است.

طبق یافته‌های مطالعه، وضعیت مالی خوب خانوارهای روستایی، مهاجرت آنها را به شهر تسهیل و تسریع می‌کند که این امر، مبین ارزش والای زندگی شهرنشینی در بین روستاییان است و نشان می‌دهد که اگر آنها به تسهیلات زندگی شهری دسترسی نداشته باشند و از طرف دیگر، برخورداری از زندگی شهری برایشان ارزش تلقی شود، وضعیت مالی خوب، سبب ماندگاری‌شان در روستا نمی‌شود. بنابراین توجه به پیشنهادها فوق، ضروری است.

### منابع

ادیب حاج‌باقری، محسن (۱۳۸۵). *گراند تئوری راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی*. تهران: بشری.

ادیب حاج‌باقری، محسن و دیگران (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: بشری.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). *رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق در توسعه روستایی*. تهران: نشر نی.

اشتروس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

امیرنیا، لیل (۱۳۸۰). *بررسی میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (زراعت-باغداری) در فرایند توسعه روستایی (دهستان انزل جنوبی ارومیه)*. شهلا کاظمی پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر عملکرد شوراهای اسلامی شهر در توسعه محلی*. رساله دکتری، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی پیشرفته در جامعه صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.

بشردوست، رسول (۱۳۷۳). *بررسی میزان مشارکت زنان روستایی شالیکار و نقش آموزش‌های ترویجی در تولید برنج در استان گیلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

پورطریق، محمد (۱۳۸۰). *سازه‌های مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های امور دام و صنایع روستایی استان هرمزگان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

## بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پیر بوردیو. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: نشرنی.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶). توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا. ترجمه: مصطفی ازکیا. تهران: دانشگاه تهران.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خانی، فزیله (۱۳۷۵). جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی (استان گیلان). رساله دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- رسول‌پور عربی، حسین (۱۳۷۶). بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- سامعی‌پور، شرمین (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال زنان روستایی در زمینه تبدیل فرآورده‌های کشاورزی شهرستان سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرحدی، فریده و دیگران (۱۳۷۰). نقش اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی در تولید. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشور.
- صالحین، شهرزاد (۱۳۸۲). بررسی صرف وقت زنان روستایی؛ روستای دونا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- علیرضائزاد، سهیلا (۱۳۷۳). بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی در روستای گوهردان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: نشر قم، صبح صادق.
- فمی، حسین شعبانعلی و دیگران (۱۳۸۳). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی. تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- محب‌حسینی، محدثه (۱۳۷۱). بررسی نقش‌های زیستی-فرهنگی و اجتماعی زنان در روستاهای قاسم‌آباد گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۸). سرشماری عمومی نفوس و مسکن -۱۳۴۵. فرهنگ آبادی‌های کشور: استان گیلان. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن -۱۳۵۵. فرهنگ آبادی‌های کشور: استان گیلان. تهران: مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷). سرشماری عمومی نفوس و مسکن -۱۳۶۵. فرهنگ آبادی‌های کشور: شهرستان صومعه‌سرا. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۶). سرشماری عمومی نفوس و مسکن -۱۳۷۵. شناسنامه آبادی‌های کشور: شهرستان صومعه‌سرا. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) سرشماری عمومی نفوس و مسکن -۱۳۸۵؛ استان گیلان. تهران: پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران.
- مطیع، ناهید (۱۳۶۶). بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن در جامعه روستایی ایران (ایوانکی در شهرستان گرمسار). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: نشر ندا.
- مهندسین مشاور شهر آب خزر (۱۳۸۳). طرح هادی روستای میانه. گیلان: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- وفایی، اعظم (۱۳۸۲). بررسی رابطه فعالیت‌های زنان روستایی و برخورداری از حقوق اقتصادی-اجتماعی (روستای ورده). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- Allen, George (2003). A critique of using grounded theory as a research method, Department of Information Systems and Computer Applications, Portsmouth University, UK .*Electronic Journal of Business Research Methods*. Volume 2 Issue 1 : 1-10.
- Bagchi, Deipica (1982). *Female Roles in Agricultural Modernization: An Indian Case Study, Women & International development Program (WID)*. Working Paper 10, Michigan State University.
- Chambers, Robert (2005). *Notes for Participants in PRA-PLA Familiarisation Workshops in 2005, participation Group*. Institute of Development Studies, University of Sussex.
- Corbin, J.& Strauss, A.(1990). *Grounded theory research:Procedures, canons, and evaluative criteria. Qualitative Sociology*. 13(1):3-20.
- Coyne, Imelda & Cowley, Sarah (2006). Using grounded theory to research parent participation. *Journal of Research in Nursing*. vol 11:501- 515.
- Due, Jean M & Mudenda,Timothy & Miller, Patricia & White, Marcia (1985). *Women's Contributions To Farming Systems And Household Income in Zambia, Women & International development Program (WID)*. Working Paper 85, Michigan State University.
- FAO (1994). *Research programme on rural women and youth*. Ministry of Agriculture, Fisheries and Food, Spain.
- FAO (1996). *Overview of the socio-economic position of rural women in selected Central and Eastern European countries*. The Regional Office for Europe and the Women in Development Service/Sustainable Development Department.
- FFTC -RDA (2007). International Seminar on Enhancement of Woman Farmers' Role in The Development of Rural Asia. Suwon & Korea. October 15-19.
- Kennedy, Eileen T& Cogill Bruce (1988). *The Case of Sugarcane in Kenya: Part Effects of Cash Crop Production on Women's Income, Time Allocation Practices, Women, And Child Care & International development Program (WID)*. Working Paper 167, Michigan State University.
- Mills, J.& Bomer, A.& Francis, K.(2006). The Development of Constructivist Grounded Theory. *International Journal of Qualitative Methods*, Vol 5 (1): 1-10.
- Pandit, Naresh R(1996). *The creation of theory: A recent application of the grounded theory method*.

بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال ...

- The Qualitative Report Vol 2 (4): 1-14.
- Rajula Devi, A.K.(1989). *Women in Agriculture and Rural Areas-India, Women & International development Program (WID)*. Working Paper 183, Michigan State University.
- Schwartz, Martin & Widefjäll, Lena (2006). *Women and Agriculture - A case study of a rural village in Mozambique*. Mälardalen University Bachelor Thesis, School of Business 10 p, Department of Public Technology Ecological Economics.
- Scott, K. W. (2004). *Relating categories in grounded theory analysis: Using a conditional relationship guide and reflective coding matrix*. The Qualitative Report Vol 9 (1): 113-126.
- Spring, Anita (1987). *Women Farmers and Food Issues in Africa: Some Considerations and Suggested Solutions, Women & International development Program (WID)*. Working Paper 139, Michigan State University.
- Timsina, Dibya & Timsina, Jagadish & Chhetry, Netra B. (1989). *Women's Role in Nepalese Farming Systems: A Comparative Study of a Hill and An Inner Terai Farming Systems Site, Women & International development Program (WID)*. Working Paper 193, Michigan State University.
- United Nations University (1993). *The impact of economic development on rural women in China*. A report of the United Nations University Household, Gender, and Age Project.
- Van de Ven, Andrew H. (2007). *Theory Building & Research Design*.
- World Bank (1995). *Rural Women and Agricultural Extension in the Sahel, Findings, Africa Region*. Number 46.